

# اشک و شادی

زهرا حاجی پور - ماکو



به عنوان آموزگار، به هنر نقاشی خیلی علاقه دارم و فکر می‌کنم رمز و رازهای بسیاری در آن نهفته است. با توجه اینکه در دوره تحصیلی ابتدایی تدریس می‌کنم، همیشه کتاب‌های مربوط به نقاشی گروه سنی کودکان را مطالعه می‌کنم. در واقع بر این باورم که با دقت و تأمل در نقاشی کودکان، می‌توان بسیاری از مشکلات آموزشی و پرورشی آنان را شناخت و بر آنها فائق آمد. زیرا دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نقاشی‌های خود واقعیت‌ها را انعکاس می‌دهند و هیچ موضوعی را به اصطلاح ممیزی نمی‌کنند.

در پایه اول ابتدایی تدریس می‌کردم. زنگ نقاشی بود و دانش‌آموزان سرگرم ترسیم یک نقاشی دلخواه بودند. بعد از مدتی که از وقت کلاس سپری شد و من هم فکر می‌کردم بچه‌ها مراحل آخر کارشان را طی می‌کنند، به ناگاه با گریه‌ی بلند یکی از دانش‌آموزانم مواجه شدم! با دلهره و نگرانی به طرفش رفتم. متوجه شدم دفتر نقاشی‌اش پر از اشک شده است! با کنجکاوی و ناراحتی، او را همراه با دفتر نقاشی خیس شده‌اش، به کنار میز خودم بردم. با دقت به نقاشی‌اش خیره شدم. فاطمه در نقاشی خود تصویر مادرش را در حالی کشیده بود که داشت گریه می‌کرد! خودش هم تحت تأثیر نقاشی‌اش قرار گرفته بود و به همین خاطر اشک می‌ریخت. وقتی شرح نقاشی را از دانش‌آموزم پرسیدم، دریافتم که مادر او قهر کرده و از خانه رفته است. به منظور حل مشکل روحی روانی فاطمه، پدرش را به مدرسه دعوت کردم تا با بحث و تبادل نظر، راه حل مناسبی برای رفع مشکلات روحی فاطمه پیدا کنیم. در آن جلسه، پدر فاطمه تمامی مشکلات را تقصیر همسرش می‌دانست. ولی بالاخره، پس از گفت‌وگوهای زیاد، در آخر جلسه گفت: من حاضرم به خاطر دخترم، هر کاری را که شما مصلحت می‌دانید، انجام دهم. سرانجام، مادر فاطمه با چندین واسطه به مدرسه آمد. وقتی مادر فاطمه دخترش را به آغوش کشید، یکی از بهترین و باشکوه‌ترین لحظات زندگی معلمی‌ام شکل گرفت. فاطمه با عشق و آرامش در آغوش مادرش آرام گرفته بود و شادی می‌کرد.

در نهایت هم مادر فاطمه با دیدن نقاشی او و باخبر شدن از مشکلات روحی به وجود آمده برای فرزندش، به کانون گرم خانواده بازگشت. من و همکارانم از اینکه توانسته بودیم مشکلات دانش‌آموزی را رفع و دوباره شادابی و نشاط را در او و خانواده‌اش نمایان کنیم، بسیار خوشحال بودیم.

این موفقیت مرهون هنر و آگاهی و سوز معلمی بود و نقاشی سراسر گویای فاطمه!